

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

تنگه هرمز؛ همچنان مسدود

در بیانیه تهران و مسقط سخن از ایجاد یک «کریدور دریانوردی موقت مشترک»، مین‌روبی، گفت‌وگوهای فنی برای تعیین مسیر دائمی و سازوکار تبادل اطلاعات و مدیریت ترافیک است. اینها اساساً موضوعاتی فنی و اجرایی برای سامان دادن به شرایط تنگه است، نه اعلام بازگشت هرمز به وضعیت سابق. حتی پیش‌تر نیز عراقچی صراحتاً تأکید کرده بود که توافق با عمان به تنهایی به معنای باز شدن تنگه نیست و برای بازگشایی کامل، شروط دیگری باید محقق شود.

۷



اعلام تحریم اعزام میانجی

۷



آمریکازیر فشار هرمز

۵



اصرار برای تغییر در راس صدا و سیما برای چیست؟

صدا و سیما جناحی نخواهد شد!

۸



شهردار تهران؛

کشور باید با رویکردی جهادی اداره شود

۳

قرقاش و رؤیای خام زور آزمایی با ایران

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

صفحه ۲

سیاسی

تخلفات علنی صحن

پس از ۱۴۴ روز تعطیلی بی‌سابقه، صحن علنی مجلس با فرمت مجازی بازگشایی شد؛ اما این بازگشایی نه تنها نتوانست انتظارات نظارتی و تقنینی مردم از مجلس را برآورده سازد، بلکه با موجی از تخلفات آیین‌نامه‌ای از سوی هیأت رئیسه همراه گردید.

صفحه ۴

اقتصادی

دولت وعده داد، دلال گندم را خرید

میزان تولید، خرید و ذخیره‌سازی گندم مستقیماً با ثبات بازار نان و کاهش وابستگی به واردات ارتباط دارد. به همین دلیل، هرگونه خطا در تعیین قیمت، تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان یا ضعف در جمع‌آوری گندم، مسئله‌ای فراتر از یک بدهی مالی است.

همزمان با ورود رویارویی ایران و آمریکا به مرحله‌ای تازه و تشدید فشارهای اقتصادی، انور قرقاش، دیپلمات اماراتی، بار دیگر با ادبیاتی توهین‌آمیز ایران را متهم کرده و مدعی شده است که «تجاوز ایران به کشورهای عربی خلیج فارس به هدف خود نرسیده است. این تجاوز، مخصصه تهران را عمیق‌تر کرده و یک انتخاب استراتژیک فاجعه‌بار بوده که انزوای آن را افزایش داده و موقعیت آن را تضعیف کرده است».

متن کامل در صفحه ۶

گزارش نوبنیاد از مجموعه تخلفات خلاف آیین نامه داخلی مجلس توسط هیات رئیسه؛

تخلفات علنی صحن

ناقص گزارش ها گرفته تا برگزار نشدن جلسات در صحن علنی، در حالی که سایر نهادهای حاکمیتی به فعالیت عادی خود بازگشته اند؛ رویکردی که حتی اقدامات و طرح های خوب و مؤثری نظیر «قانون مقابله با نفوذ» را نیز تحت الشعاع قرار داده است.

پس از ۱۴۴ روز تعطیلی بی سابقه، صحن علنی مجلس با فرمت مجازی بازگشایی شد؛ اما این بازگشایی نه تنها نتوانست انتظارات نظارتی و تقنینی مردم از مجلس را برآورده سازد، بلکه با موجی از تخلفات آیین نامه ای از سوی هیأت رئیسه همراه گردید. از عدم پخش کامل و مشروح جلسات و انتشار



امیرحسین درکی

روزنامه نگار

پیش بینی کرده است. بنابراین اگر تشخیص هیأت رئیسه مجلس حضور نمایندگان و برگزاری جلسات رسمی مجلس از جمله صحن، کمیسیون ها و هیأت رئیسه در محل مذکور در این ماده امکان پذیر نباشد، این جلسات با اطلاع رسانی به نمایندگان در محل یا محل های دیگری غیر از محل دائمی در بستر فضای مجازی تشکیل میشود. «اما در انتهای این ماده قید شده است که «ادامه تشکیل جلسات تا پایان وضعیت اضطرار یا شرایط خاص کشور به پیشنهاد هیأت رئیسه و رای اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه رسمی امکان پذیر است» به تعبیری دیگر فقط اولین جلسه مجازی مجلس با تشخیص هیأت رئیسه بایستی مجازی تشکیل داده میشود و ادامه جلسات مجازی منوط به تصویب اکثریت نمایندگان حاضر در جلسه مجازی می باشد. اما بنابر گفته برخی از نمایندگان این رای گیری در پایان هر جلسه صورت نمی گیرد! این در حالی است که تمامی نهادهای حاکمیتی به امور سابق و فعالیت های عادی خود بازگشته اند.

عدم پخش مشروح جلسات در رسانه ملی به صورت زنده

علنی بودن جلسات مجلس، نه یک عرف فرعی، بلکه یک رویه ی مستمر چنددهه ای است که با پخش زنده از رسانه ی ملی و حضور فعال خبرنگاران، معنای عینی یافته است اما در جلسات اخیر صحن مجازی، این رویه نادیده گرفته شده است. قابل ذکر است که قانون اساسی، با هوشمندی، برای مواقع اضطراری که امنیت کشور مطرح باشد، امکان برگزاری جلسه ی غیر علنی را

پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم، از اواخر بهمن ۱۴۰۴ تا ۲۰ تیر ۱۴۰۵ صحن علنی مجلس شورای اسلامی گرفتار یک تعطیلی طولانی مدت ۱۴۴ روزه شد. موضوعی که با انتقادات گسترده ای همراه بود. البته که پس از آن نیز صحن علنی به طور کامل بازگشایی نشد و به صورت یک حالت مجازی و نیمه تعطیل در آمد و نمایندگان مجلس، در نشست علنی شامگاه دوشنبه ۲۲ تیرماه، با بررسی طرح اصلاح ماده یک قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی سازوکار ادامه جلسات مجلس به صورت مجازی در مواقع اضطرار و شرایط خاص کشور تصویب کردند.

اما نکته قابل توجه اینجا بود که آیا این بازگشایی می تواند انتظارات و نیازهای معیشت و میدان را پوشش دهد؟ هدفی که دستیابی به آن حداقل روی کاغذ و قانون سخت می نظرمی رسد. با این حال و با توجه به طبیعی بودن کاهش بهره وری شان نظارتی و تقنینی مجلس به سبب تشکیل جلسات مجازی، اقدامات مکرر و متعدد خلاف آیین نامه هیأت رئیسه مجلس نیز مانعی برای اثرگذاری بهتر این رکن تاثیرگذار حاکمیتی شده است. در ادامه مروری بر مهم ترین اقدامات خلاف قانون و آیین نامه ای هیأت رئیسه مجلس خواهیم داشت.

عدم برگزاری جلسات در صحن علنی علیرغم بازگشایی تمامی نهادهای حاکمیتی

براساس ماده ۱ اصلاحی آیین نامه داخلی مجلس- جلسات مجازی «در مواقع اضطرار

خبر کوتاه

سرلشکر محسن رضایی: آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت

دبیرشورای عالی امنیت ملی در دیدار فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضایی عراق گفت: جمهوری اسلامی ایران خواهان عراقی مستقل و قوی است. وی افزود: کشورهای منطقه خود درباره آینده خویش تصمیم گیری خواهند کرد و آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت و وضع گروهک های ضد ایرانی مستقر در مرزهای دو کشور باید تعیین تکلیف شود.

بهادری جهرمی: تجربه کانادا نشان داد که جنگ یا صلح، تفاوتی در نتیجه ندارد

سخنگوی دولت سیزدهم در حساب کاربری خود در ایکس نوشت: جنگ تجاری همزمان آمریکا با ایران و کانادا به دوست داران آمریکا نشان داد برای منافع آمریکا تفاوتی نمیکند با او در صلح باشی یا جنگ، تنها چیزی که آمریکا به آن اهمیت میدهد منافع حداکثری خود و زورگویی به دیگران است! پس برای حل مشکلات اقتصادی ناشی از زورگویی این غارتگر، باید قوی شد.

خلجی: «اسلام آمریکایی» از دل جریان صلح شرافتمندانه تئوریزه می شود

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم در واکنش به تصویری که اخیراً از وزیر خارجه ترکیه و سوریه در کنار وزیر خارجه جنایتکار آمریکا منتشر شده است، در حساب کاربری خود نوشت: اسلام آمریکایی مصداقش همین است. یعنی می توانی اسلامی باشی، حتی جمهوری اسلامی باشی، اما با آمریکا و حتی اسرائیل مشکل نداشته باشی و حداکثر اختلافات شما با آنها اختلاف منافع باشد. خلجی با کنایه به جریانیه که در داخل کشور به دنبال همین نوع از اسلام هستند، تصریح داشت: اینجا هم جریانی همین را می خواهد. اسلام آمریکایی چیز عجیب و غریبی نیست، از دل همین جریان صلح شرافتمندانه تئوریزه می شود. می توانی با معاویه هم سازش کنی و به سهم خودت راضی باشی!

مردم عراق در تشییع شهید خامنه ای حماسه ای تاریخی رقم زدند

معاون امور بین الملل دفتر رهبر انقلاب، با قدردانی از مرجعیت دینی نجف اشرف و مردم عراق، حضور گسترده مردم این کشور در مراسم تشییع و تدفین شهید آیت الله خامنه ای را حماسه ای تاریخ توصیف کرد. حجت الاسلام والمسلمین محسن قمی در آیین بزرگداشت چهلمین روز تشییع و تدفین شهید آیت الله سید علی خامنه ای در بغداد اظهار کرد: از مرجعیت دینی نجف اشرف، به ویژه آیت الله سید علی سیستانی، و همچنین مردم عراق صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم. وی افزود: مردم عراق با حضور پرشکوه خود در مراسم تشییع، حماسه ای تاریخی در همبستگی اسلامی و مردمی ثبت کردند و جلوه ای ماندگار از پیوند عمیق میان ملت های ایران و عراق به نمایش گذاشتند. معاون امور بین الملل دفتر رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به روابط عمیق دو ملت ایران و عراق گفت: علاقه و مهر رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران به ملت عراق، حقیقتی غیرقابل انکار است. قمی ادامه داد: پیوند میان دو کشور، به دلیل ریشه های عمیق تمدنی و پیوندهای اعتقادی، با روابط ایران با هر کشور دیگری متفاوت است و این ارتباط از عمق و استحکام ویژه ای برخوردار است.

دولت

آمارسازی نجومی به سبک وفاق

درشرایطی که سیاست راهبردی دشمن آمریکایی از تهاجم نظامی به تشدیدفشارهای اقتصادی تغییر ماهیت پیدا کرده است و در همین راستا ضرورت یک برخورد قاطع و متقابل به فشارهای اقتصادی آمریکا احساس می شود. مقامات دولت چهاردهم بجای تمرکز بر این موضوع مهم و حیاتی، روی به ارائه آمارهای غیرمنطقی و اغراق آمیز آورده اند. اخیراً محمد اتابک وزیر صمت درنشستی با مجموعه فولاد خوزستان با اشاره به نظرسنجی های اخیر و رضایت ۸۲ درصدی مردم از عملکرد دولت مدعی شد: مدیریت منسجم در حوزه معیشت مردم در دوران جنگ و شرایط خاص کشور از عوامل اصلی این رضایتمندی است و دولت تمام تلاش خود را برای استمرار این روند به کار خواهد بست. ادعای رضایتمندی ۸۲ درصدی مردم از عملکرد دولت پزشکیان در حالی مطرح می شود که در نظرسنجی اخیری که توسط ربیعی منتشر شده بود محبوبیت رئیس جمهور به ۲۴٫۳ درصد رسیده است.

گفتنی است که این تنها غلو مقامات دولت چهاردهم در آمارسازی های اغراق آمیز نبوده است. بویژه اینکه محمد حسن نامی مشاورعالی وزیر کشور گفته است: کار دولت پزشکیان ۳ هزاردرصد یعنی ۳۰ برابر بیشتر از پنج دولت قبلی است! پیش از این نیز جعفر قائم پناه معاون پرحاشیه پزشکیان در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایسنا مدعی شده بود ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم خواهان مذاکره و صلح شرافتمندانه اند. بنابراین ضروری به نظر می رسد که مقامات دولت چهاردهم به جای آمارسازی غلط و اغراق آمیز برای کاهش انتقادات به دولت، تمرکز خود را بر روی معیشت مردم و فعالسازی ایجاد درآمد از تنگه هرمز با کمک مجلس نیمه تعطیل کند.



زاکانی: کشور باید با رویکردی جهادی اداره شود



علیرضا زاکانی، شهردار تهران در مراسم گرد همایی سراسری مسئولین بسیج

دانشجویی گفت: نباید به هیچ وجه به دلیل مسائل و اختلافات، حکم وحدت و انسجام جامعه را خدشه دار کنیم. وی افزود: همه ما مکلف به حمایت از مسئولان و تیم مذاکره کننده هستیم، اما در کنار حمایت، وظیفه نظارت و بیان نقدها نیز وجود دارد. زاکانی افزود: برای عبور از وضعیت فعلی، کشور باید با رویکردی جهادی و مانند شرایط جنگی اداره شود. وی در ادامه با بیان انتقادهای صریح نسبت به برخی موضع گیری ها درباره ضعف نمایی از شرایط و امکانات کشور تصریح کرد: نباید

به گونه ای شرایط را ترسیم کرد که باعث ایجاد نگرانی و ناامیدی در مردم شود؛ چراکه برخی تصور می کنند همه چیز از دست رفته است. شهردار تهران تاکید کرد: دشمن در یک سه گانه شامل آشوب داخلی، تعرض مرزی و حمله نظامی سرمایه گذاری سنگینی کرده و همچنان در حال پیگیری این مسیر است. وی گفت: امکاناتی که دشمن وارد کشور کرده، از پیچیدگی بالایی برخوردار است؛ اما به خواست خداوند این اقدامات به نتیجه نمی رسد.

سخنان اخیر قالیباف و پزشکيان در ضعيف نمایی از شرایط ایران و بازخوانی فرمایشات رهبر شهید خطاب به مسئولان

راوی ضعف نباشید

واکنش ها به سخنان اخیر روسای قوای مجریه و مقننه و ضعف نمایی از شرایط و امکانات کشور ادامه دارد. پزشکيان که روال همیشه از ضعف ها سخن می گوید و قالیباف هم چند روز پیش در جمع فعالان اقتصادی ایران و عراق مدعی شده بود: "ما هر قدر هم قدرت نظامی داشته باشیم، اما مردم گشنه باشند و گردش مالی نداشته باشیم دوام نمی آوریم!" سخنانی که به سرعت مورد سواستفاده رئیس جمهور آمریکا قرار گرفت و ترامپ با باز نشر آن تلاش کرد تصویر ادعایی خود از ایران را با اتکا به این سخنان تثبیت کند.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

ضعیف نمایی که حتی مورد تذکر رهبر شهید انقلاب نیز واقع شده، سخنان اخیر قالیباف، نگرانی ها درباره خطای محاسباتی مسئولان را شدت بخشید و واکنش های گسترده ای نیز به دنبال داشت.

علیرضا زاکانی شهردار تهران روز گذشته در جمع مسئولان بسیج دانشجویی به صورت تلویحی از مواضع اخیر برخی مسئولان انتقاد کرد و گفت: نباید به گونه ای

شرایط را ترسیم کرد که باعث ایجاد نگرانی و ناامیدی در مردم شود؛ چراکه برخی تصور می کنند همه چیز از دست رفته است.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان نیز با اشاره به همسویی برخی از مواضع اخیر قالیباف با جماعت غربگرا با خطاب به او نوشت: جریانات غربگرا با تحریف و یا تقطیع برخی از مواضع آقای قالیباف و سپس با تعریف و تمجید از موضع یادشده، اصرار دارند که از یک سو، پایگاه اجتماعی ایشان را تغییر یافته قلمداد کنند و از سوی دیگر، ارادت همیشگی نیروهای انقلابی و حزب الله جناب ایشان را مخدوش جلوه دهند. به یقین برادر عزیزمان آقای قالیباف از سرنوشت سیاسی کسانی که قربانی همین ترفند شده اند، بی خبر نیستند. انتظار آن است که جناب ایشان برای پرهیز از برداشت های ناصواب، بر مواضع انقلابی خود تاکید و تصریح بیشتری داشته باشند تا راه سوء استفاده و برداشت های غرض ورزانه



بسته بماند.

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در واکنش به مواضع ضعیف برخی مسئولان در حساب کاربری خود در ویلاستی نوشت: میخواهند القاء کنند که جنگ، برای کشور ما ضعف و کاستی آورده است؛ اما حقیقت، عکس این است. این، اعلان ضعف و ترس و ناتوانی برخی مسؤولان بی کفایت و نفوذی است که برای کشور، جنگ و تجاوز و تحریم آورده و می آورد.

در همین راستا حجت الاسلام نویان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به اظهارات پزشکيان در حساب کاربری خود خطاب به او نوشت: آقای رئیس جمهور، منظورتان از اینکه الان باید جنگ را پایان دهیم، چیست؟! مگر ما جنگ را آغاز کردیم؟! آیا به ترامپ و نتانیا هو التماس کنیم که جنگ را تمام کنند و به ما حمله نکنند؟؟ آیا اعلام کنیم که تسلیم شدیم تا جنگ پایان یابد؟! یا با سیگنال ضعف فرستادن، دشمن جسورتر نمیشود؟؟

خبر کوتاه

رضایی: تشدید فشار آمریکا، پذیرش شکست نظامی است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در حساب کاربری خود در واکنش به تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا نوشت: فرامتن عملیات «خشم اقتصادی» آمریکایی ها، پذیرش شکست در عملیات نظامی است. قطعاً این بار هم سگ زرد شکست خواهد خورد. وی همچنین روز گذشته طی گفتگویی تلویزیونی اظهار داشت: هر کشوری که با تحریم های ثانویه آمریکا همراهی کند، با واکنش ایران در تنگه هرمز مواجه خواهد شد؛ این یک هشدار رسمی و عملیاتی است و تاکید کرد که ایران به دنبال درآمذایی از تنگه هرمز و حفظ این دستاورد راهبردی است.

ظهوریان: انتقام قاچاقچیان سوخت را نباید از مردم گرفت!

نماینده مردم مشهد در حساب کاربری خود در واکنش به رویکرد اشتباه دولت در اصلاح قیمت بنزین در ایکس نوشت: اگر کسی مدعی است هردو جناح سیاسی کشور در قاچاق بنزین دست دارند؛ می بایست پروژه اش قطع دست قاچاقچیان باشد نه اینکه انتقام آن را از مردم بگیرد.

سردار ابن الرضا: هر فشاری بر معیشت مردم بخشی از جنگ است

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: برای ایران، اقتصاد، آسایش و رفاه مردم توأم با امنیت بخشی از میدان دفاع است؛ هر فشاری که معیشت و امنیت مردم را هدف بگیرد، بخشی از جنگ است. کسانی که میدان فشار را گسترش می دهند، بدانند، ما هم برای دفاع از مردم، میدان را در چارچوب منافع ملی گسترش خواهیم داد.

صدور حکم اخراج ۶ دانشجوی دانشگاه شریف به دلیل ایجاد آشوب

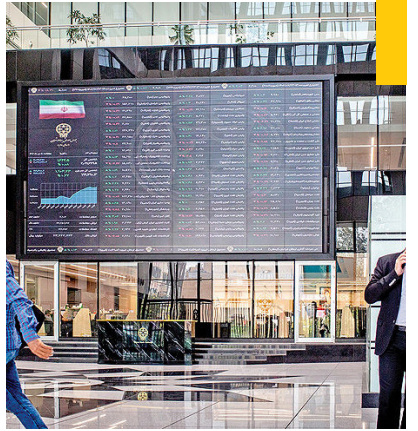
روز گذشته معاون دانشجویی دانشگاه شریف اعلام کرد: در پرونده مربوط به ناآرامی های اسفندماه، مواردی مانند درگیری فیزیکی، ایجاد آشوب، حمل سلاح سرد، توهین به پرچم و برخی تخلفات فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفته است. وی افزود: در این خصوص ۲۳۶ دانشجویی به شورای انضباطی معرفی شدند که برای ۱۱۵ نفر، به دلیل وجود مستندات کافی پرونده تشکیل شد. معاون دانشجویی دانشگاه شریف تاکید کرد: حدود ۴۰ نفر با تخلفات جدی تر به شورای انضباطی دعوت شدند و برای سایر افراد، گفت و گو و دریافت تعهد کتبی بدون درج در پرونده در نظر گرفته شد. تاکنون ۶ نفر حکم اخراج گرفته اند که برخی در شورای تجدیدنظر نیز تأیید شده و برای شورای مرکز ارسال شده اند و یک مورد نیز در شورای مرکز تأیید و به دانشجو ابلاغ شده است.

شهادت یک پاسدار در پی حمله به ایست و بازرسی

در حمله تروریستی به یک ایست بازرسی در تهران امین عزیزی، پاسدار عضو سپاه سیدالشهدای تهران و از اهالی بروجرد، هدف حمله قرار گرفت و پس از چند روز تحمل جراحات، به شهادت رسید. براساس اطلاعات منتشرشده، شهید امین عزیزی در جریان این حمله که در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ رخ داد، هدف عوامل مهاجم قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات وارده، پس از دو روز درگیری با آسیب های ناشی از حادثه، روز ۳۱ مردادماه به فیض شهادت نائل شد.

رکوردشکنی بورس با هجوم تقاضا و ورود پول حقیقی

معاملات بازار سهام در دیروز (سه‌شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵) با برتری محسوس خریداران آغاز شد و این روند تا پایان دادوستدها ادامه یافت. بخشی از نمادها که در ابتدای بازار در محدوده متعادل یا منفی قرار داشتند، با افزایش تدریجی تقاضا به مدار مثبت رفتند و بسیاری نیز به صف خرید رسیدند. در پایان دادوستدها، ۷۳۱ نماد در محدوده مثبت و تنها ۱۰۸ نماد در محدوده منفی معامله شدند؛ به این ترتیب، ۸۷ درصد بازار سبزپوش بود. همچنین ۴۹۳ نماد با صف خرید و فقط ۳۳ نماد با صف فروش مواجه شدند؛ آماري که از ادامه دست بالای خریداران حکایت دارد. ارزش معاملات خرد ۳۶ هزار و ۶۲۳ میلیارد تومان ثبت شد. مجموع ارزش معاملات بورس و فرابورس نیز به حدود ۱۹۶ هزار میلیارد رسید و ارزش کل بازارهای سهام ایران



در محدوده ۲۰ هزار و ۹۶۷ هزار میلیارد تومان قرار گرفت. جریان نقدینگی حقیقی نیز به نفع بخش سهام بود. حقیقی‌ها حدود ۳ هزار و ۳۳۰ میلیارد تومان پول وارد سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی کردند؛ در عین حال، ۲ هزار و ۶۸۱ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه‌های سرمایه‌گذاری، فرآورده‌های نفتی، فلزات اساسی و کانی‌های فلزی اختصاص داشت.

شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۲۳ هزار و ۹۲۲ واحدی، (۲.۰۳ درصد) در ارتفاع ۶ میلیون و ۲۲۳ هزار و ۸۷۸ واحد ایستاد و برای نخستین بار وارد کانال ۶.۲ میلیون واحد شد. شاخص هم‌وزن نیز ۲۵ هزار و ۵۸ واحد، (۱.۴۴ درصد)، افزایش یافت و

به یک میلیون و ۷۶۵ هزار و ۱۳۵ واحد رسید. شاخص کل فرابورس نیز با رشد ۶۸۳ واحدی (۱.۴ درصد) در سطح ۴۹ هزار و ۷۱۰ واحد قرار گرفت. رشد صنایع بورس به ۱.۹۸ درصد رسید. ۲۸ صنعت بیش از ۲ درصد رشد کردند و زغال سنگ، سایر معادن و محصولات کامپیوتری و الکترونیک در صدر قرار گرفتند. در مقابل، مواد و محصولات دارویی، انتشار و چاپ و خرده‌فروشی بیشترین افت روزانه را تجربه کردند. شاخص کل بورس تهران در معاملات امروز بدون آن که در طول روز با فشار فروش جدی مواجه شود، از ابتدای بازار تا پایان معاملات در مسیر صعودی حرکت کرد و در نهایت برای شانزدهمین روز و شاخص هم‌وزن برای بیست و پنجمین روز متوالی سبزپوش ماندند.

نوبنیاد گزارش می‌دهد؛

دولت وعده داد، دلال گندم را خرید

گندم فقط یک محصول کشاورزی نیست؛ پایه اصلی تأمین نان، یکی از مهم‌ترین اجزای سبد غذایی خانوار و از ارکان امنیت غذایی کشور است. میزان تولید، خرید و ذخیره‌سازی این محصول مستقیماً با ثبات بازار نان، کاهش وابستگی به واردات و توان کشور برای عبور از بحران‌های اقتصادی و اختلالات تجاری ارتباط دارد. به همین دلیل، هرگونه خطا در تعیین قیمت، تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان یا ضعف در جمع‌آوری گندم، مسئله‌ای فراتر از یک بدهی مالی است و می‌تواند ذخایر راهبردی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

گفت: «وقتی دولت نمی‌تواند به‌موقع دیون خود را به کشاورزان پرداخت و تسویه کند، عملاً بازار برای دلالان و واسطه‌ها باز می‌شود و آنها گندم را با قیمت پایین از کشاورزان خریداری می‌کنند.» وی افزود: «واسطه‌ها در حال حاضر گندم را حدود ۴۰ تا حداکثر ۴۴ هزار تومان از کشاورزان خریداری می‌کنند.» به گفته او، کشاورزانی که توان مالی دارند می‌توانند محصول خود را در انبار نگهداری کنند، اما تولیدکنندگان خرد چنین امکانی ندارند و برای گذران زندگی یا تأمین هزینه فصل بعد، ناچار به فروش فوری می‌شوند. هاشمی گفت: «به دلیل بالاتر بودن قیمت گندم و پرداخت ارزی در کشورهای همسایه، زمینه برای قاچاق این محصول وجود دارد و بخشی از گندم ممکن است به کشورهایی از جمله عراق، اقلیم کردستان و افغانستان منتقل شود.»

نشانه‌های خروج گندم از شبکه رسمی در استان تهران نیز مشاهده می‌شود. جبرئیل برادری، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان تهران، گفت: «امسال تأخیر در اعلام قیمت گندم و سپس اصلاح آن به ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان، موجب شد بخشی از گندم تولیدی به سیلوها تحویل داده نشود.» طبق آمار اعلام‌شده، سال گذشته نزدیک به ۱۰۸ هزار تن گندم در استان تهران خریداری شد، اما این میزان امسال به حدود ۸۸ هزار تن رسید؛ یعنی کاهش ۲۰ هزار تنی و حدود ۱۸.۵ درصدی که به صورت رسمی نزدیک به ۲۰ درصد اعلام شده است. تأخیر در پرداخت پول باعث شده شبکه دولتی در رقابت با چند واسطه دارای پول نقد عقب بماند. در حال حد اکثر ظرف حدود یک هفته تسویه می‌کند، اما کشاورز در شبکه رسمی، پس از گذشت هفته‌ها و ماه‌ها، ممکن است فقط ۳۷ یا ۶۵ درصد طلب خود را دریافت کرده باشد.

تهدید کشت آینده و خودکفایی گندم

پیامد عملکرد ضعیف دولت چهاردهم فقط به کاهش خرید امسال محدود نمی‌شود. تأخیر در پرداخت مطالبات می‌تواند سطح زیر کشت و تولید سال آینده را نیز کاهش دهد. عملکرد دولت در خرید تضمینی گندم، کشت سال زراعی آینده را تحت الشعاع قرار داده و با نزدیک شدن به ۱۵ مهرماه و آغاز کشت پاییزه، ممکن است کشاورز به دنبال کاشت محصولات آب‌بربرود. این اتفاق، هم تولید گندم را تهدید می‌کند و هم فشار بیشتری بر منابع آبی وارد خواهد کرد.



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

عملکرد دولت چهاردهم در خرید تضمینی گندم، با تأخیر در اعلام قیمت، بدعهدی در پرداخت مطالبات و باز گذاشتن میدان برای دلالان همراه شده است. نتیجه این وضعیت آن است که بخشی از گندم تولیدی، به جای ورود به سیلوها و شبکه رسمی ذخیره‌سازی، با قیمت کمتر به واسطه‌ها فروخته می‌شود، در انبارهای غیررسمی دپو می‌شود یا در معرض خروج از کشور قرار می‌گیرد. براساس آخرین آمار اعلام‌شده، از ابتدای فصل برداشت تاکنون بیش از ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده است. با این حال، دولت هنوز نتوانسته مطالبات همه تولیدکنندگان را به طور کامل تسویه کند. علیقلی ایمانی، مدیرعامل بنیاد ملی گندم‌سکاران گفت: «کشاورزانی که از ابتدای فصل برداشت تا ۱۵ اردیبهشت گندم تولیدی خود را تحویل دادند، ۹۵ درصد مطالبات دریافت کردند؛ کشاورزان در بازه ۱۶ اردیبهشت تا ۲۰ خرداد، ۸۰ درصد مطالبات و کشاورزان در بازه ۲۱ خرداد تا ۸ تیرماه، ۶۵ درصد و سایر کشاورزان، ۳۷ درصد مطالبات خود را دریافت کردند.» او با اشاره به وعده‌های مسئولان تأکید کرد: «با توجه به وعده‌های مسئولان، انتظار می‌رود باقی‌مانده مطالبات هرچه سریع‌تر پرداخت شود.»

این آمار نشان می‌دهد هرچه زمان جلوتر افتد، سهم پرداخت دولت به کشاورزان کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که گروهی از گندم‌سکاران فقط ۳۷ درصد پول محصول تحویلی خود را دریافت کرده‌اند. به بیان ساده، کشاورز محصول خود را تحویل داده، اما دولت بخش عمده بهای آن را نزد خود نگه داشته است؛ آن هم در زمانی که تولیدکننده برای پرداخت بدهی، هزینه‌های خانوار و تأمین بذر، کود، سم و ماشین‌آلات فصل آینده به نقدینگی نیاز دارد. اما مسئله فقط طلب معوق کشاورزان نیست. هرروز تأخیر در پرداخت، به معنای کاهش توان تولید برای سال زراعی آینده است؛ مدیرعامل بنیاد ملی گندم‌سکاران هشدار داد که با توجه به افزایش هزینه تولید، نگرانیم که کشاورزان نتوانند نهاده مورد نیازشان را خریداری کنند؛ چراکه اگر سرمایه در گردش مورد نیاز کشاورز تأمین نشود، امکان خرید کود و سایر نهاده‌ها وجود ندارد.

پول گندم‌سکار نیست، ارز واردات هست

حامد یزدیان، نایب‌رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، می‌گوید: «اوضاع نابسامان قیمت کالاهای اساسی در بازار و به خصوص قیمت ارز، فقط ناشی از جنگ نیست، بلکه نشان‌دهنده عدم انسجام تیم اقتصادی دولت است. در سال جاری بالای ۸ میلیون تن گندم تولید شده است؛ از این میزان، فقط ۸ میلیون تن گندم از کشاورزان خریداری شده و امروز دولت در حال برنامه‌ریزی برای خرید ۴ میلیون تن گندم از دیگر کشورهاست. این تناقضات را چه کسی باید جواب بدهد؟

موج خبر

پرسش‌های بی‌پاسخ از همتی پس از رکورد دلار

عبور نرخ دلار در بازار آزاد از مرز ۲۰۰ هزار تومان، صرفاً یک رکورد عددی یا محصول چند کانال تلگرامی نیست؛ این اتفاق را باید نشانه‌ای آشکار از کاهش قدرت پول ملی، افزایش انتظارات تورمی و تضعیف اعتماد عمومی به برنامه اقتصادی دولت چهاردهم دانست. عقب‌نشینی مقطعی دلار از سقف ۲۰۲ هزار تومان به محدوده ۲۰۰ هزار تومان نیز، هرچند می‌تواند از شدت هیجان بازار بکاهد، هنوز به معنای تغییر روند یا موفقیت سیاستگذار نیست. بازاری که ظرف چند روز یک مرز روانی مهم را پشت سر می‌گذارد، با یک تزریق محدود و چند اظهارنظر آرامش‌بخش درمان نخواهد شد.

عبدالنصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در تشریح سیاست ارزی خود تأکید کرد که نظام ارزی کشور «شناور مدیریت‌شده» است و بانک مرکزی قصد ندارد به سیاست تثبیت دستوری نرخ ارز بازگردد. اصل این گزاره در کتاب‌های اقتصاد قابل دفاع است؛ هیچ کشوری نمی‌تواند در بلندمدت، بدون توجه به نرخ تورم، رشد نقدینگی، تراز تجاری و میزان دسترسی به منابع ارزی، قیمت پول خارجی را در یک سطح ثابت نگه دارد. با این حال، مسئله امروز اقتصاد ایران نه انتخاب میان «تثبیت همیشگی» و «شناورسازی»، بلکه کیفیت، زمان و جهت مدیریت بازار است. پرسش اساسی از همتی این است که اگر قرار نیست نرخ ارز تثبیت دستوری شود، مرز مداخله بانک مرکزی کجاست؟ آیا عبور دلار از ۲۰۰ هزار تومان، با همه آثار تورمی آن، هنوز در محدوده نوسان طبیعی بازار تعریف می‌شود؟ سیاست شناور مدیریت‌شده هنگامی معنا دارد که بخش «مدیریت‌شده» آن برای مردم و فعالان اقتصادی قابل مشاهده باشد. اگر نرخ با هر شوک سیاسی، تجاری یا روانی یک کانال بالاتر برود و سیاستگذار پس از ثبت رکورد تازه وارد میدان شود، آنچه رخ داده مدیریت بازار نیست؛ تعقیب بازار است. بانک مرکزی نیز دیروز اعلام کرد که در نخستین مرحله ۵۰۰ میلیون دلار اسکناس در اختیار بانک‌های متقاضی قرار می‌دهد. اشخاص حقیقی می‌توانند تا سقف یک هزار دلار و اشخاص حقوقی تا سقف پنج هزار دلار ارز خریداری کنند. همچنین تأکید شد که عرضه به همین میزان محدود نمی‌ماند و در صورت افزایش سفارش‌ها، امکان بالا بردن حجم فروش وجود دارد. این اقدام برخلاف نظر همتی است. با این حال دولت چهاردهم و همتی اکنون در برابر یک آزمون روشن قرار دارند. «شناور مدیریت‌شده» نباید نام محترمانه‌ای برای رهاسازی نرخ ارز باشد. بانک مرکزی باید دامنه مداخله، برنامه عرضه، نحوه تأمین تقاضای تجاری و سیاست مهار نقدینگی را شفاف کند.

تحریم‌های جدید واشنگتن در شرایطی که ابزارهای اقتصادی آمریکا به سقف رسیده است

آمریکا زیر فشار هرمز

رفتار مقامات دولت آمریکا طی روزهای اخیر در موضوع تحریم ایران را پیش‌تر می‌توان «نمایش تحریم» خواند تا «اعمال تحریم». دولتمردان آمریکایی تلاش می‌کنند سیاست تحریمی خود را به‌عنوان بسته‌ای جدید از اقدامات تحریمی علیه اقتصاد ایران معرفی کنند و بر همین اساس، به دفعات از کلیدواژه‌هایی نظیر «بی‌سابقه»، «کوبنده‌ترین»

و... استفاده می‌کنند. این در حالی است که با توجه به اینکه آمریکا طی سال‌های گذشته تمام اقدامات تقابلی خود علیه اقتصاد ایران را به کار بسته، اکنون گزینه خاصی برای اثرگذاری چشمگیر بر اقتصاد ایران ندارد. محدود شدن اقدامات تقابلی جدید آمریکا به تحریم چند فرد جدید، خالی بودن دست آمریکا در موضوع تحریم را نشان می‌دهد.



نیمایسهایی

روزنامه نگار

همین دست خالی آمریکا در موضوع تحریم باعث شده است تمرکز دولتمردان آمریکایی بر اقدامات تبلیغاتی و نمایشی خلاصه شود.

هدف از این تبلیغات، از یک سو، همراه کردن کشورهای غیرهمکار با آمریکا در اجرای تحریم‌ها و از سوی دیگر، ایجاد فشار روانی بر فعالان اقتصادی ایران و در نتیجه، اثرگذاری منفی بر بازارهای ایران، خصوصاً بازار ارز، است؛ موضوعی که نشانه آن را می‌توان در رشد قیمت ارز طی روزهای اخیر و اظهار خوشحالی وزیر خزانه‌داری آمریکا از این شرایط مشاهده کرد. نمایش این روزهای دولتمردان آمریکایی برای ایرانیان دیگر جدید نیست. حدود هشت سال پیش بود که ترامپ در دور قبلی ریاست جمهوری خود، همین نمایش‌ها را به راه انداخته بود. البته آن روزها توافقی وجود داشت که ترامپ با خارج شدن از آن می‌توانست تحریم‌های جدیدی بر اقتصاد ایران اعمال کند. اکنون، اما همان تحریم‌های موسوم به «فشار حداکثری» به قوت خود باقی مانده‌اند و ترامپ دیگر نمی‌تواند چیزی به این «حداکثر» بیفزاید.

ایران سال هاست زیر شدیدترین تحریم‌هاست
حسین مصمصامی، اقتصاددان و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، درباره تحریم‌های جدید آمریکا نوشت: این تحریم‌ها اتفاق جدیدی نیستند. ایران از ابتدای انقلاب تحت تحریم بوده و این فشارها، به خصوص از سال ۱۳۹۰، تشدید شده است. اگرچه تحریم‌ها را تا حدودی به زحمت انداختند، ولی دشمن نیز به نتیجه مورد نظرش نرسید. او افزود: بر دولت واجب است هم‌زمان با تشدید تحریم‌های جدید، سیاست‌های کنترل منابع و مصارف ارزی، به خصوص کنترل قاچاق و هدایت منابع ارزی به سمت نیازهای اساسی کشور، و کنترل شدید نرخ ارز را در دستور کار قرار دهد. همچنین پیشنهادهای اخیر ارسال شده از سوی نمایندگان ملت به ریاست محترم جمهور می‌توانند بسیار مؤثر باشند. این نکته باید در ارزیابی تبلیغات جدید آمریکا مورد توجه قرار گیرد. آمریکایی‌ها سال‌هاست از شدیدترین تحریم‌ها سخن می‌گویند؛ از تحریم فروش نفت و بانک مرکزی گرفته تا محدودیت‌های کشتیرانی، بیمه، انتقال پول، صنایع نفت و پتروشیمی و شبکه‌های تجاری ایران. بنابراین، اگر قرار باشد هر بسته جدید تحریمی با عنوان «بی‌سابقه» معرفی شود، باید پرسید دقیقاً چه ابزار اقتصادی جدیدی باقی مانده است که

بتواند معادله موجود را به‌طور اساسی تغییر دهد؟ تحریم‌ها برای اقتصاد ایران هزینه داشته‌اند. افزایش هزینه تجارت خارجی، دشواری انتقال منابع، محدودیت دسترسی به فناوری و افزایش هزینه مبادلات، از جمله آثار تحریم‌ها بوده‌اند؛ اما در طرف مقابل، ایران نیز طی سال‌های گذشته مسیرهای جایگزین تجاری و مالی خود را توسعه داده و توانسته است بخش مهمی از تجارت خارجی و صادرات نفت خود را ادامه دهد. به همین دلیل است که تحریم‌های جدید، اگرچه باید جدی گرفته شوند، نمی‌توانند تحت تأثیر تبلیغات سیاسی آمریکا مترادف با «فروپاشی اقتصادی» ایران تلقی شوند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های محدودیت آمریکا، نحوه اجرای تحریم‌های جدید است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، ابتدا از عملیاتی بسیار گسترده سخن گفت، اما وقتی درباره چرایی اعمال نکردن یک‌باره و فوری تمام فشارها را او سؤال شد، پاسخ قابل تأملی داد: «چرا باید سیستم مالی جهانی را به هم بریزم؟» آمریکا به خوبی می‌داند که نظام مالی جهانی به دلار و شبکه بانکی آمریکا وابسته است، اما همین وابستگی، یک نقطه قوت و در عین حال، یک نقطه آسیب‌پذیری برای خود این کشور ایجاد کرده است. هرچه تحریم‌ها گسترده‌تر و بی‌محابات‌تر اعمال شوند، احتمال آسیب به تجارت جهانی، بانک‌ها، شرکت‌های کشتیرانی، بازار انرژی و حتی شرکای اقتصادی آمریکا نیز بیشتر خواهد شد؛ بنابراین، دولت آمریکا مجبور است میان «فشار بر ایران» و «حفظ ثبات اقتصاد جهانی» تعادل ایجاد کند. این همان نقطه‌ای است که تبلیغات سیاسی واشنگتن را از واقعیت اقتصادی جدا می‌کند.

هزینه هرمز برای آمریکا

اما مهم‌ترین عامل محدودکننده آمریکا را باید در بازار انرژی جست و جو کرد. تنگه هرمز فقط یک گذرگاه جغرافیایی در منطقه خلیج فارس نیست؛ این تنگه یکی از مهم‌ترین شریان‌های انرژی جهان است. اختلال طولانی مدت در عبور نفت و گاز از این مسیر می‌تواند قیمت انرژی را در سراسر جهان افزایش دهد. این مسئله برای آمریکا، که خود یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان است، اهمیت ویژه‌ای دارد. افزایش قیمت نفت در نهایت به افزایش قیمت بنزین در آمریکا منجر شده است و بنزین یکی از معدود کالاهایی است که مردم آمریکا افزایش قیمت آن را به‌صورت مستقیم و روزانه احساس می‌کنند. همچنین، تورم مصرف‌کننده آمریکا در ژوئیه ۲۰۲۶ به ۳.۴

درصد رسیده است و شاخص انرژی ۱۴.۷ درصد و قیمت بنزین حدود ۲۴.۶ درصد افزایش داشته‌اند. این ارقام برای دولت آمریکا نگران‌کننده‌اند؛ چراکه افزایش قیمت انرژی می‌تواند به سایر بخش‌های اقتصاد نیز منتقل شود و هزینه حمل و نقل، تولید و مصرف خانوارها را بالا ببرد. در واقع، آمریکا در شرایطی می‌خواهد فشار اقتصادی بر ایران را بیشتر کند که خود با یکی از حساس‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی، یعنی قیمت انرژی، درگیر است.

نشانه دیگر را باید در ذخایر راهبردی نفت آمریکا دید. بر اساس جدیدترین آمار، ذخایر راهبردی نفت آمریکا با کاهش ۳.۷ میلیون بشکه‌ای، به حدود ۲۸۹.۷ میلیون بشکه رسیده‌اند؛ سطحی که در بیش از چهار دهه گذشته سابقه نداشته است. این کاهش در شرایطی رخ داده است که آمریکا برای کنترل آثار اختلال در بازار جهانی انرژی و جلوگیری از افزایش شدید قیمت نفت، به ذخایر راهبردی خود متوسل شده است. اما ذخیره راهبردی نفت مانند یک حساب بانکی نامحدود نیست. هر بشکه‌ای که امروز برای کنترل قیمت برداشت شود، فردا باید دوباره جایگزین شود؛ بنابراین، اگر جنگ و اختلال در تنگه هرمز ادامه پیدا کند، فشار بر دولت آمریکا نیز بیشتر خواهد شد؛ به خصوص اگر قیمت نفت در سطوح بالا باقی بماند. اینجا همان تناقض بزرگ سیاست دولت ترامپ آشکار می‌شود؛ آمریکا برای فشار بر ایران نیازمند تشدید تحریم‌هاست، اما برای جلوگیری از افزایش قیمت انرژی و تورم داخلی خود، به ثبات بازار نفت نیاز دارد.

آمریکا از یک طرف می‌خواهد نشان دهد هنوز ابزارهای فشار اقتصادی قدرتمندی در اختیار دارد و از طرف دیگر، با احتیاط از فعال کردن تمام این ابزارها خودداری می‌کند؛ زیرا هدف اصلی تحریم‌ها لزوماً نابودی اقتصاد ایران نیست، بلکه هدف اصلی ایجاد اهرم فشار برای تغییر محاسبات ایران و کشاندن آن به میز مذاکره است. در چنین شرایطی، اعلام تحریم‌های جدید می‌تواند بخشی از یک بازی سیاسی و اقتصادی برای تقویت موقعیت آمریکا پیش از مذاکره باشد. تحولات اخیر یک پیام مهم برای مسئولان کشورمان دارد؛ اینکه آمریکا، اگرچه همچنان ابزار تحریم را در اختیار دارد، قدرت استفاده نامحدود از آن را ندارد. آمریکا نمی‌تواند هم‌زمان تنگه هرمز را در شرایط بحرانی ببیند، قیمت انرژی را بنزین را کنترل کند، ذخایر راهبردی نفت خود را حفظ کند و در عین حال، شدیدترین شوک مالی ممکن را به اقتصاد جهانی وارد کند. به همین دلیل، فاصله میان تهدیدهای بزرگ و اقدامات عملی واشنگتن اهمیت دارد.

نبض اقتصاد

مسکن در محاصره بانک‌ها؛ سهم تسهیلات به ۳ درصد

بحران مسکن در ایران دیگر صرفاً روایت گرانی خانه و رشد اجاره‌بها نیست؛ این بحران از قلب شبکه بانکی و بی‌اعتنایی به یک تکلیف صریح قانونی عبور کرده است. بخشی که با حدود ۲۶۰ رشته شغلی و صنعتی پیوند دارد و می‌تواند موتور اشتغال و تولید (رشد اقتصادی) باشد، اکنون با افت شدید تولید و خشک شدن مسیر تأمین مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، بخش مسکن در سال گذشته ۱۵.۸ درصد کوچک شده است. رشد این بخش در چهار فصل ۱۴۰۴ نیز به‌ترتیب منفی ۱۴.۲ درصد، منفی ۱۱.۸ درصد، منفی ۳۳ درصد و منفی ۷.۴ درصد ثبت شده؛ ارقامی که از رکود عمیق ساخت‌وساز و توقف تدریجی ظرفیت تولید در یکی از بزرگ‌ترین پیشران‌های اقتصاد کشور حکایت دارد.

بر اساس قانون جهش تولید مسکن که در شهریور ۱۴۰۰ ابلاغ شد، باید حداقل ۲۰ درصد از کل تسهیلات پرداختی سالانه بانک‌ها به بخش مسکن اختصاص یابد. با این حال، فاصله میان قانون و عملکرد شبکه بانکی آن‌قدر بزرگ شده که قانون جهش تولید مسکن، عملاً در بسیاری از بانک‌ها به یک توصیه بی‌اثر تنزل یافته است. دیوان محاسبات کشور آذر سال گذشته اعلام کرد که از ابتدای اجرای قانون تا پایان شهریور ۱۴۰۴، بانک‌ها باید ۲۲۲۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش مسکن اختصاص می‌دادند، اما از این رقم، ۱۶۲۰ هزار میلیارد تومان پرداخت نشده است؛ یعنی بیش از دو سوم تعهد تکلیفی شبکه بانکی روی زمین مانده است. وضعیت سال ۱۴۰۴ نیز از یک عقب‌ماندگی مزمن خبر می‌دهد. دیوان محاسبات هفته جاری اعلام کرد که تکلیف قانون جهش تولید مسکن در سال گذشته فقط ۳.۶ درصد محقق شده است. معنای روشن این عدد آن است که نظام بانکی، با وجود برخورداری از منابع عظیم و رشد پیوسته حجم تسهیلات، مسکن را از اولویت‌ها خود کنار گذاشته است.

تصبر ۵ ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن تأکید دارد که سازمان امور مالیاتی باید معادل ۲۰ درصد از میزان عمل نکرده به تکلیف را از بانک یا مؤسسه اعتباری اخذ و به خزانه واریز کند. بر مبنای ۱۶۲۰ همت تسهیلات پرداخت‌شده، رقم جریمه قانونی بانک‌ها به حدود ۳۲۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد؛ منابعی که باید به حساب صندوق ملی مسکن واریز شود؛ بنابراین مسئله، فقدان قانون یا نبود ابزار برخورد نیست؛ مسئله، اجرا نشدن ضمانت اجرایی قانون است. اگر بانک مرکزی فقط گزارش عملکرد منتشر کند و از کنار انحراف آشکار بانک‌ها عبور کند، طبیعی است که تکلیف ۲۰ درصدی نیز در ترازنامه بانک‌ها محلی از اعراب نداشته باشد.

آمارها نشان می‌دهد عقب‌نشینی بانک‌ها از مسکن، یک اتفاق مقطعی نیست. در سال ۱۳۹۰، از مجموع ۲۰۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی، حدود ۳۴ هزار میلیارد تومان سهمی نزدیک به ۱۷ درصد به مسکن و ساختمان اختصاص داشت. اما این سهم در سال‌های بعد کمتر شد، به طوری که در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به‌ترتیب به ۵.۶ درصد و ۴.۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۴۰۴ نیز از ۷۹۲۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی، فقط ۲۸۲ هزار میلیارد تومان به مسکن رسید که معادل ۳.۷ درصد از تسهیلاتی پرداختی است. در چهار ماه نخست امسال نیز، با وجود رشد ۶۹.۱ درصدی کل تسهیلات نسبت به مدت مشابه، سهم مسکن فقط ۹۳ هزار میلیارد تومان (۳ درصد) از ۳۱۰۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی بوده است.

بانک‌ها ریسک بلندمدت، تورم مصالح و طولانی بودن بازگشت منابع را بهانه می‌کنند، اما وقتی قانون تکلیف روشن تعیین کرده، انتخاب اقتصادی بانک جای اجرای قانون را نمی‌گیرد. بانک مرکزی هم باید نام و عملکرد بانک‌های متخلف را اعلام کند، رتبه‌بندی اعتباری مبتنی بر اجرای تکالیف ارائه دهد و جریمه‌های قانونی را از کاغذ به ترازنامه بانک‌ها منتقل کند. در غیراین صورت، رکود ساخت‌وساز تشدید می‌شود، عرضه محدودتر خواهد شد و ۱۳ میلیون‌ها جوان در سن ازدواج، هزینه این انفعال بانکی را با اجاره‌های سنگین ترو دست‌نیافتنی شدن خانه خواهند پرداخت.

طناب تحریم ممکن است دور کردن آمریکا بیفتد

پیتر شیف
اقتصاددان و
تحلیلگر اقتصادی
آمریکایی، در
واکنش به آغاز
عملیات «مطرود
اقتصادی» علیه
ایران نوشت: چون
ترامپ نتوانست با
استفاده از نیروی
نظامی به هدف

خود در ایران
دست پیدا کند،
اکنون به استفاده
از تحریم‌های
اقتصادی روی آورده
است. «عملیات
مطرود اقتصادی»
نه تنها شکست
خواهد خورد، بلکه
طناب اقتصادی‌ای
که قرار است دور
گردن ایران سفت‌تر
شود، ممکن است
در نهایت دور گردن
خود آمریکا بیفتد
و این کشور را تحت
فشار قرار دهد.

یادداشت

قرقاش و رؤیای خام زورآزمایی با ایران

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

همزمان با ورود رویارویی ایران و آمریکا به مرحله‌ای تازه و تشدید فشارهای اقتصادی، انور قرقاش، دیپلمات اماراتی، بار دیگر با ادبیاتی توهین‌آمیز ایران را متهم کرده و مدعی شده است که «تجاوز ایران به کشورهای عربی خلیج فارس به هدف خود نرسیده است. این تجاوز، مخمصه تهران را عمیق‌تر کرده و یک انتخاب استراتژیک فاجعه‌بار بوده که انزوای آن را افزایش داده و موقعیت آن را تضعیف کرده است».

ریشه این جسارت را باید در رویکردی جست‌وجو کرد که امارات طی سال‌های گذشته در پیش گرفته است. کشوری با جمعیت بومی کمتر از یک و نیم میلیون نفر، قلمروی محدود و عمق راهبردی بسیار اندک، به جای حفظ مناسبات حسن همجواری با ایران، عملاً به یکی از پایگاه‌های مهم حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه تبدیل شده است. امارات در حالی سودای توسعه طلبی در منطقه را دنبال می‌کند که زودتر از بسیاری از کشورهای عربی به توافق ابراهیم پیوست و روابط خود با رژیم صهیونیستی را علنی کرد. اگر قرار باشد از «انتخاب استراتژیک فاجعه‌بار» سخن گفته شود، این انتخاب بیش از آنکه متوجه ایران باشد، متوجه کشورهای ذره‌بینی مانند امارات است؛ کشورهایی که به جای برادری اسلامی و حسن همسایگی، خاک خود را در اختیار ساختارهای نظامی و امنیتی آمریکا و اسرائیل قرار داده و عملاً به پادگان‌هایی علیه ایران تبدیل شده‌اند. زورآزمایی یک کشور کوچک با ایران دارای حدود ۹۰ میلیون نفر جمعیت، سرزمینی ۲۰ برابر امارات و عمق راهبردی متفاوت، بیش از آنکه نشانه عقلانیت راهبردی باشد، نشانه محاسبه‌ای خطرناک است.

اما جدا از تناقضات سخنان قرقاش، باید پرسید او از کجا چنین اعتماد به نفسی برای این گستاخی پیدا کرده است؟ پاسخ را باید در ضعف برخورد با امارات طی سال‌های گذشته جست‌وجو کرد. لابی‌های اقتصادی و نفتی و منافع برخی تراست‌ها و واسطه‌ها در ایران، در مواردی مانع از شکل‌گیری یک سیاست بازدارنده در قبال ابوظبی شده‌اند.

تلخ‌تر اینکه قرقاش درست در شرایطی چنین سخن می‌گوید که دوستان اصلاح طلب او در ایران، در سوی دیگر همین قیچی، از کوتاه‌آمدن و واگذاری منافع ملی سخن می‌گویند؛ آن هم در جنگی که هزینه آن شهادت رهبر انقلاب و هزاران شهید و همچنین جنایات جنگی در میناب و لامرد ناشی از پشتیبانی و حضور ناوگان آمریکایی در منطقه بوده است. مسئله نابراین فقط قرقاش نیست؛ مسئله آن شبکه‌ای است که در داخل، هزینه رفتار خصمانه امارات را پایین آورده و در بیرون، به امثال قرقاش پیام داده است که می‌توانند علیه ایران سخن بگویند و هزینه‌ای نپردازند. رفاقت با برخی شیوخ منطقه اگر به جای تأمین منافع ملی، به تضعیف موضع ایران منجر شود، دقیقاً همان بستری است که گستاخی‌های بعدی را تولید می‌کند. پاسخ به این وضعیت بازتعریف هزینه‌های راهبردی رفتار امارات است.

FOREIGN AFFAIRS

Maximum Pressure on Iran Will Fail

Trump's War Has Brought American Strategy to a Dead End

NATE SWANSON

August 25, 2026

An anti-American billboard in Tehran, August 2026
Majid Asgaripour / Reuters

NATE SWANSON is a Resident Senior Fellow and Director of the Iran Strategy Project at the Atlantic Council. He served as Director for Iran at the National Security Council from 2022 to 2025. In the spring and summer of 2025, he served on the Trump administration's Iran negotiating team.

احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

آغاز مرحله جدید تحریم‌ها از سوی اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام شد. فردی که از چهره‌های ارشد اقتصادی دولت دونالد ترامپ است و در سال ۲۰۲۵ به نخستین فرد همجنس‌گرا در تاریخ وزارت خزانه‌داری آمریکا تبدیل شد. بسنت که در سال ۲۰۱۱ با جان فریمن، دادستان سابق نیویورک، ازدواج کرده است، روز دوشنبه از آنچه دولت ترامپ عملیات مطرود اقتصادی علیه ایران می‌نامد رونمایی کرد و مدعی شد واشنگتن قصد دارد تمام شریان‌های اقتصادی ایران را هدف قرار دهد.

دولت دونالد ترامپ مرحله تازه‌ای از فشار اقتصادی را کلید زده است؛ مرحله‌ای که کاخ سفید آن را خردکننده‌ترین تحریم توصیف کرده و با تحریم‌های ثانویه، محدود کردن تجارت ایران و هدف قرار دادن مسیرهای باقی‌مانده مبادلات اقتصادی دنبال می‌شود.

اما این ادعای پرطمطراق، حتی در میان محافل سیاسی و اقتصادی آمریکا نیز با تردید جدی روبه‌رو شده است. نیت سوانسون، پژوهشگر ارشد مقیم و مدیر پروژه راهبرد ایران در شورای آتلانتیک که سابقه فعالیت به عنوان مدیر امور ایران در شورای امنیت ملی آمریکا و عضویت در تیم مذاکره‌کننده دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ را دارد، در مقاله‌ای در فارین افرز با عنوان «فشار حداکثری بر ایران شکست خواهد خورد» صراحتاً نوشته است که راهبرد فشار واشنگتن علیه تهران به بن‌بست رسیده است.

مجدد شکست خواهد خورد

سوانسون تصریح می‌کند جنگی که ترامپ علیه ایران آغاز کرد، نه گسستی

از جنگ تا تحریم؛ واشنگتن همچنان در برابر ایران دست خالی است

واشنگتن در دور باطل فشار

آمریکا که پس از جنگی پرهزینه و ناکام علیه ایران نتوانست آنچه را در میدان نظامی دنبال می‌کرد به دست آورد، اکنون بار دیگر به سلاح تحریم متوسل شده است. این بار با ادعای اجرای «مهلک‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ». اما نشانه‌ها از آن حکایت دارد که واشنگتن نه تنها در محاصره اقتصادی ایران با موانع جدی روبه‌روست، بلکه برای نخستین بار با هزینه‌ای مواجه شده که می‌تواند دامنه آن به متحدان، بازار انرژی و حتی اقتصاد خود آمریکا بازگردد.

غیرقانونی خوانده و تأکید کرده همکاری تهران و پکن نباید مختل شود. این هشدار زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که چین بخش عمده نفت ایران را خریداری می‌کند و واشنگتن برای اعمال فشار واقعی بر صادرات نفت ایران ناچار است با پکن نیز درگیر شود.

وانگ دانگ، پژوهشگر ارشد دانشگاه پکن، نیز هشدار داده اگر آمریکا واقعاً تحریم‌های ثانویه علیه چین را گسترش دهد، پکن از منافع ملی خود دفاع خواهد کرد. چین پیش‌تر نیز نشان داده است که می‌تواند از ابزارهایی همچون کنترل مواد مدنی حیاتی، فشار متقابل قابل توجهی بر صنایع آمریکا وارد کند.

عملیات بزرگ نمیر!

حتی کربی، مقام پیشین کاخ سفید و پنتاگون، تأکید کرده است که تحریم در میانه جنگ معمولاً کارایی ندارد و اجرای چنین راهبردی بدون همراهی متحدان دشوار خواهد بود. آلن ایر، سخنگوی پیشین فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا، نیز با تمسخر عملیات جدید تحریمی، آن را «عملیات بزرگ نمیر» خوانده است. ماجد الانصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر، نیز تحریم‌های آمریکا علیه ایران را یکجانبه دانسته و تأکید کرده است که تحول جدیدی میان تهران و واشنگتن رخ نداده است.

در همین حال، رابرت کاگان، مورخ و مفسر سیاست خارجی آمریکا، معتقد است ایران از جنگ پیروز بیرون آمده و موازنه قدرت منطقه‌ای تغییر کرده است. به گفته او، برجسته شدن تحریم‌ها از سوی دولت ترامپ نشانه یک عقب‌نشینی بزرگ است؛ چراکه تهران اکنون با کنترل قابل توجه بر تنگه هرمز، اهرمی در اختیار دارد که می‌تواند بر اقتصاد جهانی اثر بگذارد.

حتی پاسخ اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، به پرسش خبرنگاری درباره تبدیل تحریم‌ها به یک «روز D اقتصادی» نیز قابل تأمل بود. وقتی خبرنگار درباره اجرای قاطع و ضربتی تحریم‌ها پرسید، بسنت پاسخ داد: «چرا باید سیستم مالی جهانی را به هم بریزیم؟» همین جمله نشان می‌دهد واشنگتن خود نیز از تبعات فشار بیش از حد آگاه است.

به تعبیر سوانسون، شاید تنها دستاورد جنگ اخیر برای آمریکا این باشد که واشنگتن را وادار کند سرانجام در راهبرد ۴۷ ساله خود تجدیدنظر کند. راهبردی که از تهدید نظامی و تحریم آغاز شد و امروز به جایی رسیده که خود طراحان آن نیز درباره کارآمدی‌اش تردید دارند.

از سیاست‌های گذشته آمریکا، بلکه اوج همان راهبرد معیوبی است که از سال ۱۹۷۹ بر سیاست واشنگتن در قبال جمهوری اسلامی حاکم بوده است. به نوشته او، آمریکا طی ۴۷ سال گذشته همواره تلاش کرده با ترکیبی از تهدید نظامی و فشار اقتصادی، ایران را وادار به تغییر رفتار کند اما نتیجه نهایی، چیزی جز فرسایش اعتبار آمریکا نبوده است.

این تحلیلگر آمریکایی از ادعای می‌کند جنگ اخیری که واقعیت مهم را برای تهران آشکار کرده است. جمهوری اسلامی می‌تواند حملات گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی را تحمل کند و حتی پس از ضربه خوردن ساختارهای نظامی و کشته شدن شماری از فرماندهان و مسئولان، توان موشکی و پهپادی خود را حفظ کند. سوانسون حتی به نکته‌ای صریح‌تر اشاره می‌کند که ایران در جنگ فرسایشی توانسته محاسبات واشنگتن را برهم بزند. ترامپ بارها تهدید به تشدید جنگ کرده، اما هرگاه قیمت انرژی افزایش یافته، از تشدید فشار عقب‌نشینی کرده است. از همین رو، تهدید نظامی آمریکا دیگر ارزش سابق را ندارد و تهران دریافته است که می‌تواند فشار را تحمل کند و هزینه آن را به طرف مقابل نیز منتقل سازد.

ترامپ در جنگ اخیر حتی به محاصره بنادر ایران روی آورد، اما پس از ۶۶ روز آن را کافی ندانست و اکنون دور دوم محاصره و فشار اقتصادی را آغاز کرده است.

طناب طراحی شده برای ایران گردن آمریکا را خواهد گرفت

در همین حال، پیتر شیف، اقتصاددان و تحلیلگر آمریکایی، هشدار داده است که چون ترامپ نتوانست با نیروی نظامی به اهداف خود در ایران برسد، اکنون به تحریم اقتصادی روی آورده و این عملیات شکست خواهد خورد؛ به گونه‌ای که طناب اقتصادی طراحی شده برای فشار بر ایران ممکن است در نهایت دور گردن خود آمریکا سفت شود.

نشانه‌های این خطر همین حالا آشکار شده است. چین در واکنش به تحریم‌های جدید واشنگتن هشدار داده اگر تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌های چینی گسترش یابد، پکن تمامی اقدامات لازم را برای دفاع از منافع خود انجام خواهد داد. وزارت خارجه چین تحریم‌های یکجانبه آمریکا را

گزارش کوتاه

بیابنه مشترک ایران و عمان ریل گذاری برای نحوه مدیریت تنگه هرمز پس از تحقق شروط دوازده گانه ایراندارند

تنگه هرمز؛ همچنان مسدود

شب گذشته پایان سفر وزیر امور خارجه عمان به تهران و صدور بیابنه مشترک دو کشور درباره تنگه هرمز رقم خورد.

در بیابنه تهران و مسقط سخن از ایجاد یک «کریدور دریانوردی موقت مشترک»، مین رویی، گفت وگوهای فنی برای تعیین مسیر دائمی و سازوکار تبادل اطلاعات و مدیریت ترافیک است. اینها اساساً موضوعاتی فنی و اجرایی برای سامان دادن به شرایط تنگه است، نه اعلام بازگشت هرمز به وضعیت سابق. حتی پیش تر نیز عراقچی صراحتاً تأکید کرده بود که توافق با عمان به تنهایی به معنای بازشدن تنگه نیست و برای بازگشایی کامل، شروط دیگری باید محقق شود.

در این بیابنه مشترک آمده است: جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان در چارچوب رایزنی های دو کشور درباره ازسرگیری دریانوردی ایمن در تنگه هرمز، برای ایجاد یک کریدور موقت مشترک دریانوردی و اجرای پروژه ای مشترک برای پاکسازی مین های این تنگه توافق کردند. چارچوب پیشنهادی شامل ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشترک از طریق تنگه هرمز و توافقی برای اجرای یک پروژه مشترک به منظور پاکسازی تنگه از مین است. مذاکرات فنی میان دو طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائمی و اداره آینده تنگه، و همچنین سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوطه ادامه خواهد یافت.

ایران با عمان در شرایطی درباره چگونگی ایجاد یک مسیر امن و موقت دریانوردی گفت وگو می کند که همچنان تا رسیدن به توافق فاصله وجود دارد؛ این در حالی است که تصمیم درباره بازگشایی کامل تنگه، موضوعی جداگانه و وابسته به تحقق تعهدات طرف آمریکایی و اجرای شروط ایرانی است.

آنچه درباره تنگه هرمز و وضعیت آن، پیش از این نیز مطرح شده بود، موضع علی الاصول تهران است: هرمز زمانی به شرایط عادی بازمی گردد که رفتار آمریکا اصلاح شود و تعهداتش عملیاتی شود. این شروط، از پایان دائمی جنگ و توقف هرگونه تهدید و عملیات نظامی علیه ایران و متحدانش آغاز می شود؛ رفع کامل محاصره دریایی و خروج نیروهای نظامی آمریکا از پیرامون ایران را دربر می گیرد؛ پرداخت خسارت های جنگی، لغو تحریم ها و آزادسازی بی قید و شرط دارایی های مسدود شده ایران نیز از دیگر مطالبات صریح اعلام شده است. بر همین اساس، بیابنه اخیر را می توان ساز و کاری برای ایام پس از «بازگشایی هرمز» دانست. ایران در حال مذاکره برای تنظیم یک سازوکار جدید دریانوردی است؛ سازوکاری که اتفاقاً نشان می دهد تهران قصد ندارد به سادگی به نظم پیش از جنگ بازگردد.

تنگه هرمز دیگر قرار نیست همان هرمزی باشد که آمریکا و متحدانش سال ها از آن برای فشار بر ایران استفاده می کردند. اگر قرار است تردد عادی شود، باید امنیت، حاکمیت و منافع ایران نیز تأمین شود. این منطق تا تبدیل قدرت میدانی ایران به دستاورد دیپلماتیک باید ادامه یابد. کلید بازگشت هرمز به وضعیت عادی، نه در مسقط و تهران، بلکه در اجرای تعهدات آمریکا قرار دارد؛ تا وقتی شروط ایران محقق نشده، پرونده بازگشایی کامل تنگه همچنان باز است.

تهران نباید اجازه دهد آمریکا پشت میانجی گری، رفتار ایران را مدیریت کند

وقتی واشنگتن همزمان تحریم ها را تشدید می کند و پیام مذاکره می فرستد، مسئله فقط مذاکره نیست؛ مسئله ساختن تصویری از ایران قابل پیش بینی و قابل مهار است. اگر هر بار افزایش فشار اقتصادی با اعزام میانجی و طرح وعده های مبهم پاسخ بگیرد، آمریکا درمی یابد که می تواند هزینه فشار علیه تهران را کاهش دهد و حتی بازار نفت را نیز با همین بازی روانی مدیریت کند؛ این همان چرخه ای است که باید متوقف شود.

آمریکا شمشیر تحریم را از رو بسته اما برخی در تهران همچنان چشم به تفاهم اسلام آباد دارند

اعلام تحریم اعزام میانجی

اخیر شکل گرفته است: هرگاه تنش آفرینی آمریکا قیمت نفت را بالا برده، بلافاصله پای میانجی های پاکستانی، عمانی یا قطری به تهران باز شده است؛ گویی واشنگتن همزمان با فشار علیه ایران، مسیر مدیریت بازار انرژی را نیز دنبال می کند.



پیشنهاد آمریکایی برای ایران

در همین راستا، العربیه انگلیسی مدعی شد آمریکا پیشنهادی را از طریق عاصم منیر به تهران منتقل کرده است؛ پیشنهادی که براساس گزارش این رسانه، شامل لغو محاصره و تحریم ها در ازای بازگشایی تنگه هرمز و توقف حملات گروه های مرتبط با ایران بوده است. العربیه همچنین مدعی شده منیر خواستار ازسرگیری اجرای تفاهمی شده که در ماه ژوئن با آمریکا شکل گرفته بود و گفته شده دو طرف در اختلال اجرای تفاهمات قبلی مسئول بوده اند. این ادعاها، فارغ از صحت نهایی آنها، دقیقاً نشان می دهد چرا سفرهای اینچنینی نباید بدون موضع گیری شفاف و قاطع تهران باقی بماند.

امروز مهم ترین آسیب کشور آن است که در آمریکا، ترامپ و اسکات بنست وزیر خزانه داری پرحاشیه و اوباش او، در حال آماده سازی فاز شدیدتر جنگ اقتصادی و تحریمی هستند، اما در داخل هنوز برخی مسئولان ارشد کشور، از جمله پزشکیان، قالیباف و عراقچی، در چارچوب ذهنی تفاهم اسلام آباد و منطق همان تفاهم حرکت می کنند. بسیاری از ناظران نیز معتقدند واشنگتن در مقطع فعلی تا انتخابات میان دوره ای نوامبر ۲۰۲۶، فشار اقتصادی را در اولویت قرار خواهد داد و پس از آن، گزینه نظامی می تواند دوباره روی میز قرار گیرد. اکسیوس نیز گزارش داده است که مقامات آمریکایی انتظار دارند تحریم های گسترده تر ثانویه، دست کم تا پس از انتخابات میان دوره ای، محور اصلی سیاست واشنگتن در قبال ایران باشد و پس از آن، گزینه آغاز مجدد یک کارزار نظامی ممکن است دوباره مطرح شود. اگر این ارزیابی درست باشد، پاسخ عقلانی، انتظار برای «تفاهم» نیست؛ بلکه افزایش هزینه محاسباتی دشمن است. انکا به صبر استراتژیک و تکرار الگوی برجامی، یعنی پرهیز از پاسخ مؤثر و امید بستن به توافق با ترامپ، دقیقاً همان مسیری است که می تواند خطرات تشدید کند. مارک کارنی،

محسن فرهنگد
روزنامه نگار

سفر مجدد عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران در شرایط فعلی باید با دقتی فراتر از تشریفات دیپلماتیک بررسی شود. این سفر درست در مقطعی انجام شده که دور جدید تحریم های آمریکا علیه ایران می تواند بازار نفت را با التهاب و افزایش قیمت روبه رو کند. در چنین شرایطی، احتمال طرح دوباره مذاکره ایران و آمریکا، ولو در قالب پیام رسانی غیرمستقیم، می تواند برای واشنگتن کارکردی فراتر از دیپلماسی داشته باشد: کنترل انتظارات بازار، مهار التهاب قیمت نفت و همزمان آرمودن میزان آمادگی تهران برای عقب نشینی.

اگر رفتار ماه های پس از جنگ ۳۹ روزه را با یک نگاه زمانی بررسی کنیم، یک هماهنگی معنادار قابل مشاهده است: افزایش تنش آفرینی ترامپ علیه ایران، بالا رفتن قیمت نفت، مواضع داخلی که به جای افزایش هزینه برای طرف مقابل، نوعی انفعال و انتظار برای مذاکره ایجاد می کند و سپس، پس از صعود قیمت نفت، سفر میانجیگران پاکستانی، عمانی یا قطری به تهران. این الگو لزوماً به معنای وجود یک هماهنگی پنهان اثبات شده نیست، اما از منظر تحلیل سیاست و بازار انرژی، به اندازه کافی مهم است که دستگاه دیپلماسی کشور درباره آن توضیح روشن داشته باشد.

آسیب بزرگ تراما به عملکرد خودمان بازمی گردد. دیپلماسی و سیاست خارجی غلط در جریان جنگ ۳۹ روزه و سپس ۱۷ روز نبرد بر سر هرمز در سال ۱۴۰۵، به واسطه مواضع نادرست و پرهزینه برخی مسئولان و پس از آن اصرار بر روایت هایی که تفاهم اسلام آباد را «افتخار» معرفی می کردند، این انگاره را در میان بخشی از تحلیلگران بین المللی و بازار نفت تقویت کرد که ایران در نهایت به سمت توافقی حداقلی و عقب نشینی محور حرکت خواهد کرد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۹

یادداشت

جزای عدالت طلب بودن این است آقای الماسی!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

چندی پیش، «جهانگیر الماسی» بازیگر شناخته‌شده سینما و تلویزیون با حضور در برنامه یوتوبی «غیرقابل بخش» حرف‌های تکان‌دهنده‌ای زد که بخشی از آن مربوط به زندگی شخص خود و بخشی دیگر با فضای جاری در سینما ارتباط داشت. او گفت که فضا کاملاً متأثر از حضور مافیا و تقسیم نقش میان خودی‌هاست، به‌طوری‌که افرادی چون او با وجود درک مسئله فرهنگ و سواد هنری بالا نمی‌توانند جایگاهی در میان تولیدات پلتفرمی پیدا کنند و به‌مرور با یکوت و حذف می‌شوند. البته از نوع نگاه سیاسی الماسی هم در این بین نمی‌توان به‌سادگی عبور کرد. او فرزند زمانه‌ای است که سیاسی بودن اشخاص، شاخصه اصلی و ویژگی بارز آن بود و هر کس که در این حلقه نمی‌گنجید معمولاً مورد التفات قرار گروه‌های هنری قرار نمی‌گرفت.

به عبارت دیگر، الماسی مانند هر جوان متولد دهه ۲۰ و ۳۰ با اطلاع و بی‌اطلاع ضمن انجام کارهای شخصی درگیر امور سیاسی شد و خیلی زود هم نسبتی معلوم با میزانشن پیش رویش برقرار کرد. پس او برخلاف بازیگران و هنرورزان عرصه تصویر در نسل‌های بعدی صاحب حرف و اندیشه بود و همین هم در زمانه رهاسازی و سیاست‌زدایی بلای کارش شد. جهانگیر الماسی که از ابتدای دهه شصت بسیار بازیگرپرکاری بود و در آثار «کیانوش عیاری» و «سعید ابراهیمی‌فر» به ایفاء نقش پرداخت در دهه هفتاد بیشتر در مجموعه‌های تلویزیونی حضور یافت و با ورود به دهه هشتاد ظهور و بروزش برپرده سینما و قاپ تلویزیون کم‌رنگ شد تا اینکه دیگر هیچ گروه فیلمسازی‌ای برای بازی در آثارشان سراغی از وی نگرفتند! وقتی به‌مرور این سیکل می‌پردازیم متوجه می‌شویم که هر قدر فضا به سمت غربگرایی پیش رفت و اقتصاد هنر دست گروه‌های قدرتمند راست به‌اصطلاح مدرن افتاد، سکه طلای الماسی هم به پول سیاه بی‌ارزش بدل گردید و او را از شرایط به‌حق گلابیه‌مند کرد. خیلی‌ها اینطور ادعا می‌کنند که نزدیکی با قدرت و اعلام نظر واضح سیاسی می‌تواند حاشیه‌امنی را از نظر شغلی برای اشخاص ایجاد کند، اما این صرفاً یک انگاره سطحی‌ست که جز عوام ناآشنا با روابط و ضوابط حاکم بر ساختار سیاسی کشور هیچ خریداری ندارد. کافی است به اطراف و اکناف خود نگاهی بیندازید تا به روشنی برای‌تان مشخص شود که اتفاقاً چهره‌های مدعی مخالفت با نظام بیشترین سود را از شرایط می‌برند و آن‌ها که با صداقت، پرده‌از نظرات سیاسی و اجتماعی‌شان برمی‌دارند و در سمت درست تاریخ و حقانیت قرار می‌گیرند معمولاً زندگی برایشان سخت‌تر می‌گذرد. از سوی دیگر شخصیت عدالت‌طلب الماسی به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند برای لقمه‌ای پرچرب تا کم‌ر در برابر خواست تعدادی از نهادها با هدف ری‌برندینگ خم شود و هر نقشی را بازی کند.

جبلی در آستانه پایان دوره؛ اصرار برخی برای تغییر در راس صدا و سیما برای چیست؟

صدا و سیما جناحی نخواهد شد!

مدیریت رسانه ملی بالا گرفته است. اما فارغ از اینکه جبلی بماند یا برود، یک سؤال اساسی ترو وجود دارد: آیا قرار است تغییر رئیس صدا و سیما فرصتی برای اصلاح واقعی رسانه ملی باشد یا فرصتی برای آنکه حلقه‌های قدرت و جناح خاص، رسانه ملی را به سهم خود در منظومه رسانه‌ای کشور تبدیل کنند؟



سعید قاسمی
روزنامه‌نگار

پیمان جبلی اگر چه در پنج سال گذشته کم‌نقد نداشته و صدا و سیما نیز در حوزه‌هایی همچون جذب مخاطب، کیفیت برخی تولیدات و نسبت خود با جامعه با مشکلات جدی مواجه بوده است، اما این واقعیت نباید موجب شود هر انتقادی از عملکرد او تبدیل به مجوزی برای تسویه حساب سیاسی با مدیریت رسانه ملی شود.

مسئله دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. امروز بخشی از فشارها علیه جبلی در حالی مطرح می‌شود که هنوز معلوم نیست منتقدان او دقیقاً چه چیزی را جایگزین خواهند کرد. اگر مسئله ضعف برنامه‌سازی است، باید درباره برنامه‌سازی حرف زد؛ اگر مسئله ریزش مخاطب است، باید آمار و سیاست‌های رسانه‌ای را بررسی کرد و اگر مسئله مدیریت نمایش خانگی و خبر است، باید درباره همان عملکرد مشخص بحث کرد. اما تبدیل همه این مسائل به یک نتیجه ساده که «پس جبلی باید برود»، بیش از آنکه نقد مدیریتی باشد، می‌تواند مقدمه یک جابه‌جایی قدرت باشد.

جبلی با همه ضعف‌هایش، در دوره ریاست خود تلاش کرد ساختار رسانه ملی را از برخی رویه‌های گذشته فاصله دهد و سند تحول را به عنوان چارچوب مدیریتی سازمان پیش ببرد. این سند با محورهایی مانند هویت محوری و عدالت‌گستری طراحی شد و برای رسانه ملی مأموریت‌هایی در حوزه آگاهی، مقابله با تحریف، امید و تقویت ایمان و مقاومت تعریف کرد.

در همین دوره، تلویزیون در برخی مقاطع توانست سراغ چهره‌ها و ظرفیت‌هایی برود که سال‌ها حضورشان در آنتن رسانه ملی کم‌رنگ یا منتفی بود. این رویکرد نشان می‌دهد تلویزیون دست‌کم در بخشی از مدیریت خود متوجه شده است که برای بازسازی مخاطب، نمی‌تواند صرفاً با نیروهای محدود و تکراری ادامه دهد.

اینها البته به معنای کارنامه بی‌نقص جبلی نیست. ریزش مخاطب، ضعف در تولید برخی آثار، فاصله گرفتن بخشی از جامعه از تلویزیون و چالش‌های جدی در تنظیم گری نمایش خانگی، از جمله

با انتشار تصاویر خود رسماً خواستار آزادی این مبارز فلسطینی شدند.
البرغوثی که از سال ۲۰۰۲ در اسارت به سر می‌برد و به حبس ابد محکوم شده، در میان افکار عمومی فلسطین به عنوان نماد مقاومت و یکی از گزینه‌های اصلی رهبری آینده تشکیلات خودگردان شناخته می‌شود. این بیانیه مشترک که به سرعت در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافت، بخشی از یک بیانیه بزرگ‌تر با امضای بیش از ۲۰۰ شخصیت فرهنگی و هنری جهان در حمایت از حقوق فلسطینیان است. تحلیل‌گران این اقدام هماهنگ ستاره‌های سینما را نشانه‌ای از تغییر ملموس موازنه افکار عمومی در غرب و افزایش فشارهای فرهنگی بر دیپلماسی بین‌المللی برای پایان دادن به حبس طولانی‌مدت قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی فلسطینی ارزیابی می‌کنند.



کارزار بین‌المللی «مروان را آزاد کنید» که توسط خانواده و حامیان مروان البرغوثی، رهبر برجسته جنبش فتح هدایت می‌شود، با حمایت بی‌سابقه چهره‌های مطرح سینمای جهان روبه‌رو شده است. بیش از ۲۰ بازیگر سرشناس هالیوود و دنیای سینمایی مارول، از جمله کیت بلانشت، مارک رافالو، بندیکت کامبربچ و تیلدا سویتن،

یادداشت

تلماسه؛ آخرالزمان و منجی قلابی

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

موفقیت پیش فروش «تلماسه: مسیح» برای سینمای هالیوود بازگشت مخاطب به جهانی است که یکی از جدی‌ترین بازی‌های سینمای معاصر با مفهوم «منجی» را پیش روی او می‌گذارد. قسمت سوم قرار است سراغ «تلماسه: مسیح» برود؛ یعنی جایی که افسانه ظهور پل آتریدس، به جای رستگاری، به پیامدهای خونین خود می‌رسد. اینجا درست همان نقطه‌ای است که باید فیلم را از منظر اسلامی و تجربه انقلاب اسلامی جدی‌تر نقد کرد.

«تلماسه» عمده‌آز وازگان و نشانه‌های اسلامی بهره می‌گیرد: مهدی، لسان الغیب، جهاد و فرهنگ مردمی که در انتظار نجات دهنده‌اند. برخی نیز صریحاً آن را روایتی هالیوودی از ظهور امام زمان خوانده‌اند. اما مسئله مهم‌ترین است که فیلم چه تصویری از «منجی» ارائه می‌دهد: مردی که ابتدا از ایمان مردم استفاده می‌کند، سپس به قدرت می‌رسد و در نهایت همان ایمانی که او را بالا برده، به موتور جنگ تبدیل می‌شود.

از نگاه اسلامی، اینجا یک وارونگی اساسی رخ داده است. در اندیشه مهدویت شیعی، منجی قرار نیست محصول مهندسی سیاسی، ژنتیکی یا تبلیغاتی باشد. ظهور، پروژه یک خاندان اشرافی، محصول پیشگویی‌های دست‌کاری‌شده یا نتیجه تسلط یک فرد بر ذهن توده‌ها نیست. اما در «تلماسه»، ایمان دقیقاً چنین کالایی است. هدف تلماسه، کاشتن اسطوره‌ها و پیشگویی‌ها برای آماده‌سازی جوامع برای اهداف سیاسی قدرت‌های جهان است.

از منظر انقلاب اسلامی، مسئله حتی سیاسی‌تر می‌شود. انقلاب ۱۳۵۷ نشان داد که توده مردم فقط ماده خام قدرت نیستند و می‌توانند صاحب اراده تاریخی باشند و این مهم بارها در دفاع مقدس اول و دوم و سوم بارها اثبات شد. اما «تلماسه» در نهایت نسبت به هر جنبش توده‌ای بدبین است: مردم محروم، اسیر خرافه‌اند. منجی وارد می‌شود. شورش پیروز می‌شود و رهایی به جنگی تازه تبدیل می‌شود. به همین دلیل فیلم در عمیق‌ترین لایه خود علاوه بر منجی، امکان رهایی دینی و انقلابی را هم تخطئه می‌کند.

این همان آخرالزمان «تلماسه» است: آخرالزمانی که در آن مشکل، غیبت منجی نیست؛ بلکه «باور به منجی» است.

قسمت سوم اگر به مسیر «مسیح» وفادار بماند، احتمالاً همین ایده را کامل خواهد کرد: پل آتریدس ثابت می‌کند که خطرناک‌ترین دیکتاتور، کسی نیست که مردم را مجبور به پرستش خود کند؛ کسی است که مردم پیش از آن، خودشان او را مقدس کرده‌اند.

این مسئله شاید از منظر اسلامی، بزرگ‌ترین فریب «تلماسه» باشد: این که منجی حقیقی را با منجی ساخته‌شده از ترس، سیاست و اسطوره یکی می‌گیرد.

حمایت ستاره‌های

هالیوود از مبارز

فلسطینی